

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه علم و فرهنگ

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی

طنز در روزنامه توفیق

نگارش

فاطمه علمی سولا

استاد راهنما

دکتر نادر امیری

مهر ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه علم و فرهنگ

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی

طنز در روزنامه توفیق

نگارش

فاطمه علمی سولا

استاد راهنما

دکتر نادر امیری

استاد مشاور

دکتر شهرام پرستش

مهر ۱۳۹۰

سپاسگزارم

از پدر و مادر عزیزم که همواره در راه تحصیلم بزرگترین حامی ام بودند و حتی به قدر یک لحظه سایه لطف و محبتشان را از من دریغ نکردند.

از استاد راهنمای بزرگوام جناب دکتر امیری که با راهنمایی و نقد های نافذشان در پیراستن ایرادات پایان نامه، با سعه ی صدر به من یاری رساندند و من را وامدار دانش و محبت خود کردند.

از دکتر شهرام پرستش که استادی بزرگوام است و با پیشنهادات سازنده اش مرا در بهبود کارم یاری کرد.

از دکتر محمد رضایی مدیر گروه مطالعات فرهنگی که در طول تحصیل از ایشان بهره بسیار برده ام و تمامی اساتید بزرگوام دانشگاه علم و فرهنگ.

از همه ی کسانی که به قدر یک واژه به من آموختند و در این راه مشوقم بودند.

در پایان عمیق ترین احساس قدردانی و حق شناسی خود را به همسرم، تقدیم می کنم که بی همراهی او، اتمام این کار میسر نبود و در تمام دوران تحصیل همراهی دلسوز و مشاوره بی ادعا بود.

چکیده

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی مفهوم طنز، هزل و هجو در روزنامه ی توفیق در سه دوره ی انتشار این نشریه است. در این تحقیق، از هر دوره ی روزنامه ی توفیق، ده شماره به عنوان نمونه به روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. با استفاده از نظریات باختین درباره ی مولفه های کارناوالی، رمان رابله ای و خنده در پی پاسخ این سوال بوده ایم که "مجله ی توفیق چگونه شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه ی ایران را در قالب طنز یا هزل و هجو بازنمایی کرده است؟"

یافته های تحقیق نشان داد که در دوره ی حکومت رضا شاه، که فضای شدید اختناق و سانسور در جامعه رواج داشته است، بیشتر مطالب جدی است. در دوره ی دوم که با پراکندگی و توزیع قدرت سیاسی همراه بود، طنز به خوبی جای خود را در نشریه پیدا کرده بود و در دوره ی سوم که دوران تمرکز و خودکامگی قدرت سیاسی است، اغلب مطالب روزنامه هزل آمیز شده است.

واژگان کلیدی: طنز، هجو، هزل، روزنامه توفیق، شرایط سیاسی، شرایط اجتماعی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول - کلیات
۲.....	مقدمه
۲.....	۱-۱- طرح مسئله
۷.....	۲-۱- اهداف و ضرورت های انجام تحقیق
۸.....	۳-۱- سوالات تحقیق
۸.....	۴-۱- روش شناسی
۱۰.....	۴-۱- ۱- نمونه مورد بررسی
۱۰.....	۵-۱- موانع و مشکلات تحقیق
۱۱.....	فصل ۲ - مبانی نظری
۱۲.....	مقدمه
۱۲.....	۱-۲- ادبیات تحقیق
۱۲.....	۱-۱- ۱- تعاریف تحقیق
۱۲.....	۲-۱- ۱- ۱- طنز
۱۳.....	۲-۱- ۱- ۲- هزل
۱۴.....	۳-۱- ۱- ۲- هجو
۱۵.....	۴-۱- ۱- ۲- کنایه
۱۵.....	۵-۱- ۱- ۲- لطیفه
۱۵.....	۶-۱- ۱- ۲- فکاهه
۱۶.....	۲-۱- ۲- انواع طنز
۱۷.....	۳-۱- ۲- تاریخچه طنز
۱۸.....	۴-۱- ۲- تاریخچه طنز مکتوب
۱۹.....	۵-۱- ۲- تاریخچه نشریات طنز
۲۴.....	۶-۱- ۲- محدودیت طنز پردازی
۲۵.....	۷-۱- ۲- کارکرد طنز
۲۷.....	۲-۲- چهارچوب نظری
۲۷.....	۲-۲- ۱- دگر مفهومی در رمان

۳۰ ۲-۲-۲-ولگرد، دلفک، ابله
۳۱ ۲-۲-۳-رابله
۳۳ ۲-۲-۴- خنده
۳۳ ۲-۲-۵- خنده در رنسانس
۳۶ ۲-۲-۶- کارناوال
۴۰ ۲-۲-۷- رئالسم گروتسک
۴۲ ۲-۲-۸- ریشه های نظریه خنده در رنسانس
۴۴ ۲-۲-۹- خنده قرن ۱۷ به بعد
۴۵ ۲-۲-۱۰- سده ی هجدهم
۴۵ ۲-۲-۱۱- نتیجه گیری
۴۷ ۲-۳- پیشینه تحقیق

فصل ۳- روش شناسی..... ۵۰

۵۱ مقدمه
۵۱ ۳-۱- روش شناسی
۵۱ ۳-۲- شیوه انجام تحقیق
۵۴ ۳-۳- واحد تحلیل تحقیق
۵۴ ۳-۴- جامعه آماری
۵۴ ۳-۵- نمونه
۵۶ ۳-۶- ابزار گردآوری اطلاعات
۵۶ ۳-۷- تعریف مفاهیم
۵۷ ۳-۸- ابعاد و مولفه های طنز، هجو و هزل

فصل ۴- تجزیه و تحلیل داده ها..... ۶۱

۶۲ مقدمه
۶۲ ۴-۱- دوره اول (۱۳۲۰-۱۳۰۱)
۶۲ ۴-۱-۱- مقولات طنز
۶۳ ۴-۱-۲- مقولات هزل
۶۴ ۴-۱-۳- مقولات هجو

۶۷ دوره دوم (۱۳۳۲-۱۳۲۰).....
۶۷ ۱-۲-۴ مقولات طنز.....
۷۷ ۲-۲-۴ مقولات هزل.....
۷۹ ۳-۲-۴ مقولات هجو.....
۸۳ دوره دوم (۱۳۳۲-۱۳۵۰).....
۸۳ ۱-۳-۴ مقولات طنز.....
۹۲ ۲-۳-۴ مقولات هزل.....
۹۵ ۳-۳-۴ مقولات هجو.....
۱۰۰ فصل ۵- نتیجه گیری.....
۱۰۱ ۱-۵ نتیجه گیری.....
۱۰۸ منابع.....
۱۱۳ پیوست.....

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۵۴	جدول شماره ۱: لیست شماره های تحلیل محتوا شده از روزنامه توفیق.....
۵۸	جدول شماره ۲: ابعاد و مولفه های طنز، هجو و هزل.....

فصل اول

کلیات

مقدمه

هنر نیز، همچون دیگر عناصر فرهنگی تبلوری است از فرهنگی که در آن زاییده شده است و در جهت نیازمندی‌ها و سودمندی‌های فردی و اجتماعی و فرهنگی حرکت می‌کند. هنر علاوه بر زمینه‌های فکری، تجربی، ذوقی و فلسفی، منعکس‌کننده‌ی موقعیت و نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه است. بنابراین مطالعه در حوزه و زمینه‌های مختلف هنر، ضمن آن که می‌تواند، ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی جامعه را بازنمایی کند، اندیشه‌ی حاکم بر آن جامعه را نیز نشان می‌دهد. اگر هنر را ابزاری کارآمد و رسا برای ابلاغ پیام بدانیم، بی‌شک طنز یکی از قالب‌های زیبا و بی‌بدیل برای این پیام‌رسانی است. طنز هنری است که پیام را به یادماندنی‌تر، جذاب‌تر و موثرتر می‌کند.

طنز از جمله انواع ادبی است که به عنوان ابزاری سودمند برای انتقال پیام و ایده به کار می‌رود و به دلیل استفاده از قالب‌های خنده‌آور بیانی، ضمن ایجاد شادی در مخاطب، به انتقال معنا و مفهوم مورد نظر خود می‌پردازد؛ با زبانی شیرین به انتقاد از وضع اجتماعی می‌پردازد و به طور غیر مستقیم، زشتی‌ها و کژی‌های اجتماعی را با شوخی و استهزا بازگو می‌کند. طنز تنها، تصویرگر زندگی اجتماعی نیست؛ بلکه آن را تحلیل و تفسیر نیز می‌کند و درباره‌ی مظاهر و رویدادهای آن، ریشه‌یابی می‌نماید و به داوری می‌پردازد.

۱-۱- طرح مسئله

در ایران طنز به معنای مدرن آن، مقارن مشروطیت جای خود را به خصوص در مطبوعات باز می‌کند و به انتقاد از وضع موجود و بی‌کفایتی سلاطین و نابه‌سامانی‌های زندگی اجتماعی می‌پردازد، تفاوت این نوع سخن‌خنده‌دار (طنز) با اسلاف معروفش در ایران که همان هزل و هجو می‌باشد، همانا سویی‌ی اجتماعی آن است، چرا که در هزل و هجو که غالباً در شعر استفاده می‌شد، شاعر به عیب‌جویی از شخصی که عموماً از او دلگیر بود و یا سلطانی که به هر دلیلی نتوانسته بود، دل شاعر را به دست آورد می‌پرداخت؛ این نوع کلام، فاقد جنبه‌ی اصلاحی بود. صرفاً از شمشیر زبان برای از

بین بردن حریف استفاده می شد. اما قصد طنز اصلاح است؛ طنز با بیانی خنده دار و در لفافه موضوع مورد نظر خود را به درستی می پرورد و از سلاحش جهت اصلاح فرد و جامعه کمک می گیرد نه تخریب و از بین بردن آن. صلاحی معتقد است که در طنز و هجو، نیش وجود دارد و در هزل و فکاهه نوش؛ چراکه خنده ی هزل و فکاهه نوشند است و خنده ی هجو و طنز، نیشند (صلاحی، ۱۳۸۲: ۳۱۱).

طنز نیز همچون سایر حیثه ها از تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه بی نصیب نبوده است و در طول زمان رشد و بالندگی یافته، ضمن آن که در برخی زمان ها سرعت این تغییرات بیشتر و در برخی مواقع نوعی رخوت و رکود بر آن حاکم شده است. مطالعه سیر تحولات طنز نشان می دهد که هر گاه زمینه های آزادی بیان و اندیشه در جامعه فراهم شده است، طنز بیانی روشن و صریح تر یافته است. در چنین شرایطی حضور شخصیت های سیاسی و صاحبان قدرت را به طور مستقیم می توان در طنز دید و زبان طنز گزنده تر و بی پروا تر است. در مقابل هر گاه این آزادی ها محدود شده اند و استبداد بر جامعه مستولی گشته است، محدودیت طنز پردازان نیز بیشتر شده و طنزها صورتی غیر مستقیم و کنایه آمیز می گیرند یا به دامن هزل و هجو کشیده می شوند. به این ترتیب با بررسی دگرگونی ها در حوزه طنز و ارتباط آن با شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه می توان خط سیر و روند این تغییرات را بر حسب شرایط حاکم به دست آورد. طنز و طنز پردازان به خصوص در حوزه ی سیاسی و اجتماعی معمولاً به وسیله ی ابزارهای مختلف فشار و حتی مخالفت و سرکوب مورد تهاجم قرار گرفته است. نگاهی به مطبوعات طنز در دوران فعالیتشان و طول دوره ی فعالیت آن ها به خصوص در دوران مشروطیت و مبارزات آزادی خواهانه موید این نکته است. پس در اینجا می توان از دو گونه کلام غیر جد، سخن گفت:

- ۱- هجو و هزل که در جوامع غیر دموکراتیک و استبدادی کاربرد دارد. به دلیل خفقانی که در حکومت های دیکتاتور وجود دارد، نه تنها اجازه ی هیچ گونه انتقادی را به مردم جامعه نمی دهد، بلکه هر صدای مخالفی را سرکوب می کند. به همین دلیل خلاء خنده را در این جوامع

هزل و هجو که جنبه شخصی دارد پر می کند و مردم اجازه ی انتقاد از شرایط اجتماعی را ندارند.

۲- طنز که کاربرد آن در جوامع دموکراتیک است. در این جوامع به دلیل آن که حدود تحمل صاحبان قدرت فزونی یافته است، طنز کارکردی آگاهی بخش می یابد و طنز پرداز با طرح مسائل جدی اجتماعی- سیاسی در قالب طنز، از یک طرف، توجه مخاطبان را به معایب و مفاسد جامعه جلب می کند و راه را برای اصلاح معایب باز می کند و از طرف دیگر با ایجاد آگاهی و شناخت می تواند زمینه های مشارکت برای رفع کاستی ها یا معایب را فراهم سازد.

طنز سیاسی و اجتماعی در واقع ابزاری است برای زیر سوال بردن ساخت موجود و برای حوزه قدرت به عنوان عنصری ضربه زننده و تهاجمی محسوب می شود. ضمن آن که عدم صراحت، کنایه گویی و صورت طنز آمیز آن این امکان را فراهم می آورد که بدون آن که خود را مستقیماً درگیر معادلات قدرت کند، آن را به نقد بکشاند و بیشترین تاثیر را بر مخاطب داشته باشد.

طنز نویسی نیز همچون سایر انواع طنز در ارتباطی تنگاتنگ با فرهنگ جامعه و منعکس کننده ویژگی های فرهنگی و مناسبات سیاسی- اجتماعی جامعه است، ضمن آن که خود نیز تحت تاثیر تحولات جامعه قرار داشته و دچار دگرگونی شده است و لذا سیر تغییرات آن چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی می تواند نشان دهنده تغییرات حادث در فضای اجتماعی جامعه باشد. در ایران، رایج شدن روزنامه ، تفکر انتقادی را گسترش داد و راهی را گشود تا هزل و هجو وارد عرصه ی جدیدی به نام طنز شود. با شکوه ترین حضور طنز در صد سال اخیر بوده و بیشترین آثار هم در این دوره پدید آمده است که ارزش فراوانی نسبت به ادوار گذشته دارد(فرجیان، ۱۳۷۰: ۷۹۸). از میان دو بیست عنوان، نشریه طنزی که در تاریخ مطبوعات ایران به چاپ رسیده است و مشخصات آن ها در سال ۱۳۷۱، در سالنامه ی گل آقا منتشر شده بود، روزنامه توفیق را برای این پژوهش به دلایل چندی برگزیدیم:

عمران صلاحی در سالنامه ی «گل آقا» سال ۱۳۷۲ در مورد دوره های توفیق می نویسد: توفیق ۵۰ سال سابقه دارد که می توان آن را به سه دوره تقسیم کرد:

۱- دوره ی اول از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۷ که تقریبا ۱۷ سال طول کشید؛ به صاحب امتیازی

حسین توفیق و سردبیری خسرو یوسف پور، ابوالقاسم حالت.

۲- دوره دوم از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۲ که ۱۵ سال طول کشید. به صاحب امتیازی محمد علی

توفیق و سردبیری ابوالقاسم حالت، پرویز خطیبی، محمد امین محمدی، حسین فرزام

بهبودی، حسین توفیق.

۳- دوره سوم از اواخر سال ۱۳۳۶ تا اوایل ۱۳۵۰ که تقریبا ۱۵ سال طول کشید.

به صاحب امتیازی حسن توفیق و سردبیری حسین توفیق.

موسسه توفیق در دهه ی چهل، علاوه بر هفته نامه، نشریات دیگری هم داشت: ماهنامه توفیق،

سالنامه ی توفیق، کتاب توفیق، کارت تبریک توفیق...

توفیق با این عبارت آغاز می شود: "ومن الله التوفیق و علیه التکلان" (از خدا توفیق می جوییم و به او

توکل می کنیم)

ویژگی: سیاسی، کاریکاتوری، ادبی، اجتماعی، فکاهی.

پنجاه سال سابقه ی توفیق؛ این نشریه از سال ۱۳۵۰-۱۳۰۱ در تهران منتشر می شد.

خوانندگان پر شمار این نشریه

خواننده توفیق به مراتب بیشتر از تیراژ آن بود، به خاطر دست به دست گشتن در میان مردم و همان

طور که لطیفی نوشته، "هر هفته میلیون ها نفر در سراسر کشور لطیفه های سیاسی توفیق را که

غالب آن ها هرگز در آن چاپ نشده بود، برای هم تعریف می کردند و می خندیدند"، به این ترتیب

دیگر توفیق جای ملانصرالدین را گرفته بود (برزین به نقل از صلاحی، ۱۳۷۲: ۷۰)

در یکی از سرمقاله های توفیق می خوانیم که "... این سر مقاله های ما باید چارتا خصوصیت داشته

باشد و همین چارتاس که اوضارو خیط کرده! چارتا خصوصیتی که ابا آبشون تو یه جوب نمیره. هم

باید از گرفتاری مردم صحبت کنه و هم باید همون ها رو در عین حال بخندونه! هم باید انتقادی باشه

و هم نباید انتقادی باشه!! انتقادی باشه که مردم خوششون بیاد، انتقادی نباشه که چوب تو آستین آدم نکنن!"

نظر استاد محمد پروین گنابادی درباره ی توفیق که در یکی از ته مقاله های توفیق به چاپ رسیده است :

۱- "خدمت گراندرد و پر مایه به فولکلور که بزرگترین گنجینه ی زبان شیرین فارسی است. دوره های جدید جریده ی عزیز توفیق را می توان به منزله ی دایره المعارف ادبیات عامیانه شمرد که در آن شیرین ترین مثل ها، دقیق ترین کنایه ها ، بهترین لغات و اصطلاحات عامیانه به شعر و نثر در نهایت پختگی و ذوق به چشم می خورد.

۲- انتقادهای دقیق و در عین حال فکاهی و شیرین و تجسم دادن مفاسد اجتماع در جامه ی الفاظ برگزیده و مانوس و جا افتاده و ساده و همه کس فهم.

۳- شعرهای دلپذیر فکاهی از شاعران با ذوق و گروهی که دارای قریحه ی سرشار و طبع ظریف و نقاداند و از این راه بسی از حقایق را به عامه می فهمانند و مایه ی تفریح خواننده و سرگرمی وی می شوند.

۴- اسلوب مبتکرانه در روزنامه نویسی فکاهی در تمام قسمت ها از سرمقاله گرفته تا ته مقاله و دیگر بخش های متنوع که سبب میشود خواننده همه ی مطالب را بخواند و همه ی رنج های زندگی عصر دلهره و نگرانی را از یاد برد.

۵- در نظر گرفتن سطح فکر خوانندگان به شیوه ای که مطالب آن هم برای طبقات متوسط در خور فهم است و هم روشنفکران از آن برخوردار میشوند..."(همان:۸۵)

با توجه به دوره ی ۵۰ ساله ی انتشار این نشریه، این سال ها، هم زمان با سه دوره ی مهم تاریخی بوده است :

۱- ۱۳۲۰-۱۳۰۰ از کودتای رضاشاه تا سقوط در شهریور ۱۳۲۰) دوران تمرکز قدرت و خود

کامگی سیاسی)

۲- ۱۳۳۲-۱۳۲۰ از سقوط رضا شاه تا کودتا علیه دولت ملی مصدق در مرداد ۱۳۳۲ (پراکندگی و

توزیع قدرت سیاسی)

۳- ۱۳۵۰-۱۳۳۲ از کودتای ۳۲ تا ۱۳۵۰ (دوران تمرکز و خودکامگی قدرت سیاسی)

در این پژوهش بر آنیم که به بررسی محتوای نشریه نشریه توفیق بپردازیم و تاثیر شرایط سیاسی آن دوران را بر نشریه ارزیابی کنیم که انسداد و گشایش فضای سیاسی جامعه چه تاثیری بر این مجله داشته است.

۱-۲- اهداف و ضرورت‌های انجام تحقیق

طنز، در کنار خصوصیت شادی بخش، نشان دهنده ی سیمای فرهنگی جامعه ای است که در آن زاییده می شود و حدود تحمل و درک مخاطبان و سطح درک و استنباط سازندگان خود را عیان می کند. از همین رو طنز به عنوان یک پدیده ی فرهنگی نمایاننده ی ارزش ها، احساسات و طرز تلقی های موجود در فرهنگ جامعه است. طنز از یک طرف متأثر از وضعیت و شرایط حاکم جامعه است و از طرف دیگر خود به عنوان ابزار هشدار دهنده بر روابط و ساخت اجتماعی تاثیر گذار است. پس امروزه در جوامع مختلف طنز ابزاری برای بازنمایاندن روابط ناصحیح قدرت، ترویج اندیشه یا ایده ای نو و تعیین شیوه ای از تفکر یا مناسبات به کار می رود.

مطالعه سیرتحولات طنز نشان می دهد که هرگاه زمینه های آزادی بیان و اندیشه در جامعه فراهم شده است، افزایش صراحت و روشنی بیان طنز را به همراه دارد، در چنین شرایطی حضور شخصیت های سیاسی و صاحبان قدرت را به طور مستقیم می توان درطنز دید. اما هر گاه استبداد در جامعه فزونی می گیرد، با محدودیت طنز پردازان، طنز غیر مستقیم، کنایی یا هزلی و هجوی می شود. به این ترتیب با بررسی دگرگونی ها در حوزه ی طنز و ارتباط آن با شرایط سیاسی- اجتماعی جامعه می توان خط سیر و روند این تغییرات را بر حسب شرایط حاکم به دست آورد.

هدف تحقیق شناخت ویژگی های فرهنگی - سیاسی و اجتماعی دوران انتشار مجله توفیق و نحوه ی مواجهه ی این نشریه با شرایط اجتماعی است.

۱-۳- سوالات تحقیق

سوال اصلی

روزنامه توفیق، چگونه شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه ی ایران را در قالب طنز یا هزل و هجو بازنمایی کرده است؟

سوالات فرعی

- آیا مطالب روزنامه ی توفیق با بازشدن فضای سیاسی و اجتماعی به سوی طنز (نقداجتماعی) گرایش یافته است؟

- آیا مطالب این نشریه، با انسداد فضای سیاسی به سمت هزل و هجو میل کرده است؟

- از بررسی مطالب مجله تا چه حد می توان به شناخت مناسبات اجتماعی و روابط قدرت نائل شد؟

۱-۴- روش شناسی (روشهای مورد نظر در اجرای طرح و ابزارهای سنجش و ...)

ابزار گردآوری داده، در این تحقیق اسنادی-کتابخانه ای است. روش انجام این تحقیق، روش تحلیل محتوای کیفی است. تحلیل محتوا یکی از روش های کلاسیک تحلیل داده های متنی است و در مورد محصولات رسانه ای تا داده های مصاحبه کاربرد دارد (Bauer به نقل از فلیک، ۱۳۸۷:۳۴۷). یکی از ویژگی های این روش استفاده از مقوله هایی ایست که غالباً از الگوی نظری اخذ شده اند؛ مقوله ها روی داده ها اعمال می شوند. مقوله هایی که ضرورتاً بر اساس این داده ها تدوین نشده اند. البته این مقوله بارها بر اساس داده ها ارزیابی و در صورت نیاز اصلاح می شوند (فلیک، ۱۳۸۷:۳۴۷). این رویکرد بیش تر به کار تحلیل تقلیل حجم انبوهی از متون می آید. صورتبندی این روش الگوی واحدی از مقولات فراهم می کند که کار مقایسه ی موردیهای مختلفی را که روی آن ها اعمال شده است، تسهیل می کند (همان، ۱۳۵۰). این روش به پیش زمینه ی نظری خاصی محدود نیست. گزینش

داده ها عمدتاً تابع معیاری است که از پیش تعریف شده است، اما در عین حال امکان دارد از معیارهایی استفاده کند که مرحله به مرحله شکل گرفته اند (همان).

مایرینگ روشی برای تحلیل محتوای کیفی تدوین کرده است که شامل الگویی برای انجام تحلیل متن و تکنیک های مختلف عملی کردن آن می شود:

۱- اولین گام تعریف داده هاست، یعنی آن بخش هایی که به پاسخ سوال های تحقیق مربوط می

شود. (داده های این پژوهش، کل مطالب موجود در نشریه توفیق است.)

۲- تحلیل وضعیت گردآوری داده ها (داده ها چگونه به وجود آمده اند؟ اسنادی که قرار است

تحلیل شوند از کجا آمده اند؟) (از طریق کتابخانه ای به نشریه ی توفیق دسترسی داریم.)

۳- داده ها به شکل صوری توصیف می شوند. (داده های ما از نوع داده های متنی هستند که در

نشریه توفیق به چاپ رسیده است.)

۴- مشخص کردن جهت تحلیل متن های انتخاب شده و «آن چه فرد قصد دارد با کمک تفسیر از

دل داده ها بیرون بکشد. (در این مرحله تلاش ما بر این است که بینیم روزنامه به سمت طنز

یا هجو و هزل گرایش داشته است؟)

۵- در این مرحله، پرسش تحقیق بر مبنای نظریه ها متمایز می شود. (در این مرحله با توجه به

سه دوره تاریخی که معین کرده ایم (۱۳۲۰-۱۳۳۲، ۱۳۲۰-۱۳۳۲، ۱۳۵۰-۱۳۳۲) به این

سوال می پردازیم که توفیق، چگونه شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه ی ایران را در غالب

طنز یا هزل و هجو بازنمایی کرده است؟)

۶- تعریف واحدهای تحلیلی (واحدهای تحلیلی ما در این پژوهش، تمام مطالب هر شماره می

باشد)

۷- انجام تفسیر اصلی.

۸- قرار دادن نتایج در معرض پرسش تحقیق و پرسش های مربوط به اعتبار تحقیق.

۱-۴-۱- نمونه مورد بررسی

در این پژوهش به دلیل وجود سه دوره ی تاریخی متمایز از روش نمونه گیری طبقه بندی استفاده می شود که این نمونه گیری، زمانی که چند زیر مجموعه متمایز در جامعه آماری مشخص شده است که بدان ها طبقه اطلاق می شود، امکان پذیر است (کرپیندورف، ۱۳۸۸: ۸۷).
با توجه به روش تحقیق کیفی، پس از دسته بندی نمونه ها در قالب سه دوره ی تاریخی متمایز، از هر طبقه تا به حد اشباع، نمونه گیری می شود.

۱-۵- موانع و مشکلات تحقیق

از بزرگ ترین موانعی که بر سر انجام این تحقیق وجود داشت، دسترسی به منابع بود. به طوری که از بین کتابخانه های شهر تهران، این اسناد، در کتابخانه های ملی، مرکزی دانشگاه تهران و مجلس موجود بود. کتابخانه ی ملی، تنها اصل مجلات را در اختیار داشت که بعضا به دلیل قدیمی بودن از ارائه ی آن اجتناب می کرد و حتی در صورت ارائه ی یک سری از مجلات مشکلاتی نظیر اسکن شدن صفحات و مجددا کپی و هزینه های زیاد آن را به همراه داشت. ضمن این که در یک روز، تحویل بیشتر از شش مجلد به یک مراجع ممنوع بود. کتابخانه ی مرکزی دانشگاه تهران با این که همه ی شماره ها را به صورت اسکن شده، در اختیار داشت، از دادن کل محتوای یک شماره به یک فرد اجتناب می نمود و آن را ممنوع می شمرد و اصل مجلات را به دلیل قدمت زیاد آن، در اختیار مراجعین قرار نمی داد. تنها کتابخانه ای که به راحتی کل نمونه های خواسته شده را در اختیار من قرار داد، کتابخانه ی مجلس بود. که صمیمانه از مسئولان آن قدردانی می کنم. مراجعه به کتاب خانه های فوق الذکر و عدم دریافت نمونه ها باعث شد که فرایند این پژوهش ۴۵ روز به تعویق بیافتد و عدم همکاری کتابخانه های مذکور یکی از چالش های جدی این پژوهش بود.